

نامزدهای حزب تووده ایران در انتخابات مجلس شورا از بر فارمۀ ای ضد امپریالیستی، دمکراتیک و خلقی دفاع میکنند

صفحه ۷

به یاری هموطنان سیل زده خوزستانی بستاییم!

از اینجا، هاداران و دوستان حزب تووده ایران که آماده کنکرهای به سیل خوزستان می‌زدند، خواهشمندیم که کنکرهای خود را بروزه چادر، پتو و دارو - بدین خانه که می‌خواهیم کنکرهای حزب تووده ایران تحریل دهند.

دین خانه کمیته مکری حزب تووده ایران این کنکرهای داده اختیار سازمان ایالاتی حزب تووده ایران در خوزستان خواهد گذاشت و سازمان ایالاتی خوب تووده در خوزستان، در ماهیتی وهماری با مقامات مشغول کنکرهای سیل زدگان، این کنکرهای را به سیل زدگان خواهد رساند.

دین خانه کمیته مکری حزب تووده ایران
۱۳۵۸/۱۱/۲۸

در ۸ صفحه امروز

طودامپریالیسم و سرمایه‌داری وابسته از مواضع خود در اقتصاد ایران، یک وظیفه بیرون افقی است

مناجات ۱۴
انتظار روسایان مازنواران از انقلاب مستعفان
صفحه ۵

ورزش ورزش نامه «مردم»

۳ فنگی مشقت بار زحمتکشان
«شعر باف» دریزد
صفحه ۳
کارتو، رئیس جمهوری امریکا، دشمن اسلام است
صفحه ۸
همدستی چین و امریکا علیه افغانستان
صفحه ۸
توطنه ضد انقلاب، بوای ایجاد آشوب در گلستان
صفحه ۸

فرخنده باد او لیز سالگرد انقلاب پیشکش ایران بررسی امام خمینی



لهاشگاه اسناد، عکس، ہوستر، طرح، نقاشی، ولم

نماینده نخستین سالگرد انقلاب به کوشش سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران، در لهاشگاه بزرگ دانشکده هنرهای زیبای همچنان دایر است.

این نماشگاه از ۲۱ بهمن گشایش یافته، و تا دوم اسفند ماه اذمه خواهد داشت.

عن بالا، یکی از ہوسترها حزب تووده ایران است که در اولین سالگرد انقلاب پر کشوه ایران تکثیر شده است.

در باره نخستین کنگره شوراها اسلامی کارخانه‌ها

از شوراهاست، در این قلمخانه کارگران اساسنامه مصوب سازمانها، عدم شناخت کافی درباره حدود و وظایف و اختیارات شوراها، که آنرا تاحد یک مظلل شرده کنی دیداره این نهاد تشکیل جلسه دادند. هدف از این گردهایی، کسب نظر کارگران برای تدوین اساسنامه کارخانه‌ای کارگری و آلین نامه شوراها کارخانه‌ای کارگری و تعیین حدود وظایف و اختیارات شوراها بود.

در باره نخستین کنگره شوراها و مسئله کارخانه‌ای فقط ۳۰ شهر از مجموع

شهرهای ایران، درین گردهایی

مشترک و مدنی پذیرفتن مسئولیت

مدیریت برای شوراها کارگری،

تفصیلی توقع و انتظار طبقه کارگر

دیداره و این امر ناشی از تداخل

روزهای ۲۵ بهمن،

نایابگان شوراها کارخانه‌ای

حدوده ۳ شهره و معوت کانون

همه‌گونی شوراها اسلامی

تشکیل جلسه دادند. هدف از

این گردهایی، کسب نظر

کارگران برای تدوین اساسنامه

آلین نامه شوراها کارگری و

تعیین حدود وظایف و اختیارات

شوراها بود.

شرکت، نایابگان شوراها

کارخانه‌ای فقط ۳۰ شهر از مجموع

مطالبات کارگران را درین گردهای

جلسه دیدیان

مشترک و مدنی پذیرفتن مسئولیت

مدیریت برای شوراها کارگری،

تفصیلی توقع و انتظار طبقه کارگر

دیداره و این امر ناشی از تداخل

شروع شد، نایابگان شوراها

کارخانه‌ای فقط ۳۰ شهر از مجموع

شهرهای ایران، درین گردهایی

مشترک و مدنی پذیرفتن مسئولیت

مدیریت برای شوراها کارگری،

تفصیلی توقع و انتظار طبقه کارگر

دیداره و این امر ناشی از تداخل

مردم

از کان مرکزی حزب تووده ایران

دوفه هفتم، سال اول، شماره ۱۷۰

دوشنبه ۲۹ بهمن ماه ۱۳۵۸ - تکشماره ۱۵

۳ سال از قیام قهوه مانه هردم تبریز گذشت

ضد انقلاب هنوز در آذربایجان سرگرم توطئه است باید با از میان بودن زمینه‌های موجود که میراث رژیم شاه خائن است، فعالیت ضد انقلاب را خنثی کرد.

دو سال از قیام خونبار تبریزی گذرد. در روز ۲۹ بهمن ماه سال ۱۳۵۶، مردم تبریز به دادخواهی خون شهیدان آلم بودند. تبریز به دادخواهی خون شهیدان آلم بودند. در توقان عزم وصیمان مرد، کشته قهرمان

درین روز از جانب چند تن از آزادیخواهان و علمای تبریز به خاطر چشم کشتران قم، عزای عمومی اعلام شد. دهها هزار نفر از مردم ستم کشیده، که از جور و جنایت‌های رژیم منحوس بهلوی به جان آمدند. بودند، به خایانها ریختند و به قهرمانی که آمیزه‌ای از سوگواری برای شهدای قسم و اعتراض به شرط‌الطاختگان و استبداد حاکم برو ایران بود دست زدند.

ازصیب این روز مفاهیم و بیانات شهروز بسته شد. زن و مرد، پیر و جوان وحیجی کوکان، به خایانها آمدند. رژیم شاه مخلوع، که تاب دیدن چیزکوئنه ظاهراتی رانداشت، پلیس رامیدان فرسناد و ظاهرات آرام آنها را بخون نکید.

ولی مرد تبریز بمقابل خود ادامه دادند. مأمورین شیر باقی از ترس مردم گریختند و در مانگی پلیس به اصطلاح ضدشورش عیان شد. درین هنگام رژیم دست به دامان ارتق شد، سیاستگران خود را به خایانها فرستاد. تائکه‌هایه حرکت اندیخت، هلکوپیرها را بردازد آورد، غرض فانوشهای خود را برخواستند. راه زمین و هوا پروردند. پیلاحت دمدمشان حمله شد.

مقامات مردم تایپی از شب ادامه دیافت. سحر کام روز بعد، آنچه که باقی مانده بود، جسد دهها شهیدین بین بر دستهای خلق و دعوه که در میانه‌ها برای ادامه نبردی چوشت. درین روز حمام آفرین ۴۰۰ نفر شهید و زدیک به اهار نفر مجرور می‌شوند. فرقه ایلانه «قوییده»، که روز بدبایان از رسی دست اس کشید و متشرش شد، نوشت:

دیروز رزیم شاه خون شهدای قدره باخون شهدای تبریز شد. دیروز بکار دیگر دولت مدعی مشروطه، فرندان سارخان ریاق خان و علی مسیو و حیدر عمواغلی دا در قلب سنگ مشروطیت ایران پشاک

به مناسبت قیام هردم تبریز ۱۳۵۶ بهمن ماه

دیگر

امدله توقدنه گردیده از راه ستار بود چو اونتر تازه نفس تر آگاه.

ایوان و یام خانه میلزید. آرام ایستاد پرگاه. سیمای سیم باشش در جام شیشه‌ها تصویر هرچه چیزه دفعاه. دستی بروی سینه براوره بی کلام با سینه اش شفاقت خون بود. در سایه روشنان اطلاع، گویا

پیشید این صدا یاز آدمم، یکوا تبریز منتظر بشما مینهد پیام.

شب بود و در گرفتگی ایر دلیمه رخ مینموده ماه.

سیاوش کسر الی

پوداخت سود ویژه به کارگران فیايد طبق جدول طاغوتی باشد

فارشایی درین اقشار مختلف برداخت. از آنجا که مجدول تقسیم سود ویژه در سال ۵۶، در زمان زیم شاه مخلوع عنتیله شد، این اقلاب امکان سود استفاده می‌دهند. میزبان این کارخانه‌ها ابلاغ شده است. این سیمه از جمله بین کارگران شکایات کارگران ایجاد نارضایی که مسؤول این امر برای پرسیده اند و این اتفاق از ۲۱ بهمن گشایش یافته، و تا دوم اسفند ماه اذمه خواهد داشت.

بر اساس این طرح در یايان اسال، سود ویژه سر برداخت

با توجه به اینکه در کارگران خواستهای کارگران

عنی دو سال قبل رسیده بود.

آخر آن طرح برای اینکه سود ویژه کارخانه، توسط شورای همایه آمریکا حذف شده است. این ایستگی واقعی با آمریکا، یعنی حذف این ایستگی‌ها (وابستگی) قوه مقننه مایه آمریکا وابستگی از این میزبان ایجاد نهاده است. این ایستگی از این میزبان ایجاد نهاده است. این ایستگی از این میزبان ایجاد نهاده است.

از مساحه تلویزیونی آقای ایوالحسن بنی صدر

رئیس جمهوری ۲۷ بهمن ماه ۱۳۵۸

نامزدهای حزب تووده ایران در انتخابات مجلس شورا ایامی مدافع استقلال، آزادی و منافع زحمتکشانی نانتخاب آنها، به تحقق هدفهای ضد ایستاده، دمکراتیک و خلقی دفاع میکنند

مالکین در اصفهان کارگران را مجرح کردند و زمین‌هارا از آنها پس گرفتند

مالکان و چادرداران آنها با جوب و جماد و جاقو
به آنها حمله کردند و نزد خود شروع شد. چند
نفر از زحمتکشان باز انداری و سپاه اسداران
که در سبد متیر «حل حمله عوامل مالک بود،
رفتند و کمک خواستند، اما در آغاز به خواست
آنها توجهی نداشت. سپاه باز ایک ساعت که
پاسداران و ماموران زانداری به محل آمدند
ندخورد پایان گرفت.

این درگیری هنگز تذمیر شد چهار تن از
زمحتکشان شد، که هم ۵ تا ۶ روز آن شکمی
قانونی رساند و خواست احتراز فتنه. زمین‌های باز
درین این واقعه بهدادستی اصفهان نکایت کردند
و دادستانی حکم جلب دکتر سیف الدین کیانی و
محمد کیانی و دونون دیکن از مالکین را صادر
کرد. این مالکین مطابق حکم‌دانستنی استکر
شدند، اما در روز پس دکتر سیف الدین کیانی که
حرک اصلی بود، از زندان آزاد شد.
زمحتکشان افسوس نامه خود را این سطور
پایان دادند.

دمای خانمان و مستعینین بالمشای خود در
نیز این نامه از مقاماتی مسئول خواهشندید
از تجاوز مجدد مالکین بهما چلوگیری نمایند،
که گذشته ازمه و مانند ما، این گونه نارسا و چا
وجوب هر برداری شد اتفاقاً نیز نکرد.

گروهی از زحمتکشان اصفهان طی
نامه‌ای از مقامات مسئول خواسته‌اند که از
تجاوز مالکین بزدگ بشه زمین‌های آنها
جلوگیری شود.

این زحمتکشان در نامه خود نوشتند:
در اوایل بهمن ماه پیش مسکن فلاورجان
اصفهان پس از تفاوتات در باد نزین‌های حرمه
و مستعینین که تقاضای خانه‌های کرد و بودند،
زمین‌های کوی اتفاق (چال‌آباد ساق) را به
قطدان ۱۵ تا ۶ روز متیر ۱۹
بی‌خانمان «هایزج و کارگان

تشکیل می‌دهند. در زمان طاغوت

۳ زمین‌دارها هایزج و چال‌آباد و چند کارگر

ساده تشکیل شده‌اند، باز نزین‌های این

چند کارگر، چند کارگر ذوب‌آهن و چند کارگر

دویزیز و غایی نزین‌های این

محله را، کمترین ۱۵ تومان

خریدند و به اهالی به قیمت

۱۵ تا ۴۰ تا ۱۰۰ تومان

خریدند. به اهالی به قیمت

۱۰ تومان

خریدند. زمین‌داران بزرگ‌ترین

از دریافت قیمت نهادند، با اغلب

هزاری از اینها خانه خریداران

سند دادند و به قیمت نهادند.

پس از اینها خود را به قیمت نهادند.

شروع که ولی عصر به باشند

تا پایه‌ای اضافه را از زمین‌داران

پس بگیرند.

یکی از اهالی بنام کویی

به نایابدگی مردم انتخاب شد و

به پیکری موضوع پرداخت.

رس ایجاد پادشاهی ادوندگی و

کوش مرد موق شدند چک و

مبلغ ۲۰ میلیون تومان از

زمین‌داران بزرگ‌ترین. این

بول که توانند مقدار از پول غارت

شده سر ۲۰ توسط زمین‌داران

بزرگ بود. درجه کریم صادر

شد و مرد قرار گذاشتند که بعد از

تذکرین بول، آن این خودشان

تسلیم کنند.

روز ۱۳ بهمن ماه کویی

هم ام پنج نایابدگی دیگر مرد و

پس ایجاد از کیمیه به داشت

دویزیز و غیره به باشند تا واجه

چک را دریافت کنند. و قیمت آنها

با باشند که رسیدند، خود را به

پاسداران کیمیه به کسری و برو

دیدند. پاسداران حکم جلس

کویی و میخواستند

اورا دستگیر کنند، که با مقاومت

پاسداران که همان کویی

بودند، روشن شدند. اما خود

کویی برای «چلک» کویی از هر

جاده‌ای همراه اساده از کیمیه

رفت و معلم شد که زمین‌داران

از هر شهرباش شکایت کردند و

کمیه دری شکایت آنها کویی

را دستگیر کرد. اما خود

دری عصیان روز اهالی شهر ک

و پایه‌ای همیان از خود شدند

و پیروزی شدند. اما خود شدند

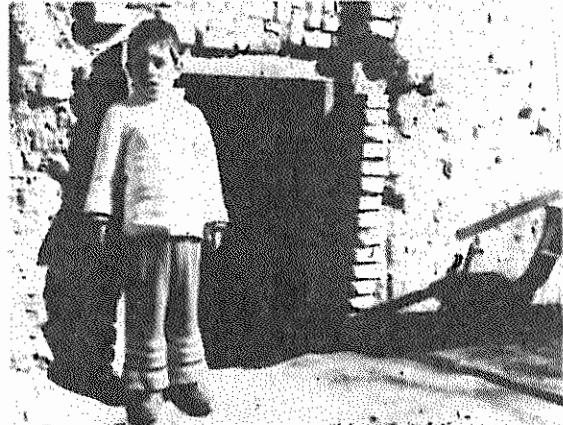
دیگری در این اتفاق از خود شدند

دیداری از کارگاههای پارچه‌بافی «باغ گندم» در یزد

زندگی مشقت بار ز حمتکشان ((شعر باف))

■ **یک کارگر: روزی ۱۴ ساعت کار میکنم و
باداشتن ۶ فرزند، ماهانه فقط ۸۰۰ تومان
حقوق میگیرم.**

دختر ۴ ساله‌ام، درازای ۸ ساعت کار طاقت فرسای روزانه، فقط ۳ تومان مزد میگیرد.



در ورودی یک کارگاه «شعر بافی» (دست بافی) - همه کارگاههای شعر بافی دریزد چنین است

از یزد پیاد شنیده‌اید، از بارچه‌های یزد، از شیرینی‌های یزدی، از آثار قدیمی یزد، از معباید زرتشیان یزد و از زندان سکندر، و لی باغ گنبد یزد را حتماً ندیده‌اید. باغی که انسان غم و درد مردم آنجا خود را در گورستان جوانیها، در شوره زار سکتها، و در میان تشنگی‌ها و گرسنگی‌ها می‌بیند، باغی که نلمهای پربر شده عمر هزاران نفر را زیریا و در لابلای خاک‌ها نوجوه‌ها حس می‌کند.

به یزد رفته بودیم تااز نزدیک به طریقه پارچه باقی مردم
که باست انجام میشود و بنام «شعر باقی» معروف است، آشناییم.
 محله باع گندم رفتیم. زنان زیر آتاب گرم یزد نسته بودند
بیازی کودکان خود در میان خالک تماشا میکردند سراغ پارچه -
فی را گرفتیم . ما را بداخل محلی که گویا کارگاه پارچه باقی
برده و فعلا مشغول ساختن خانه‌ای در آنجا هستند، بین دند. در
نها یا محمد علی آشنا شدیم و از او خواستیم که کارگاه را بما
دان دهد. نگاهی به دوربین مانگرد و گفت:
«باشد و بخوبی بخواهیم کارگاه را نهادیم».

از در گوته‌ها، که شاید بزحمت به ۸۰ ساعت میرسید و
مشترک به آغل گوستنده‌باهات داشت‌تا محل دیگر، وارد زیورزین
دیدم. اینجا گویای همه‌چیز بود، گویای استشمار کارگران،
نویاران رفع رفیعیان، گویای فقر زحمتکشان، بدستخوش میشد
پس کرد، شاید سالهای سال بود که خورشید پاتام عظمتش
تی کوچکترین روزی را نشوده، سالهای سال بود که صدای
نهاده‌ای آنجارا پرنکرده و سالهای سال بود که رفع قدر سکت
ون دیوی در آنجا لانه کرده بود. بزحمت چشمان خود را در
دیگر گشودیم. آنجا هم اینبار بود، هم جای خواب بسود،
آشیزخانه بود، هم کارگاه بود، ولی تمام ساخت آن شاید
۳ الی ۴ متر مربع بود. سرماهی شدیدی خود را بما زد، دو
ستگاه ماشین پارچه‌بافی که شاید دهای مالازم عمر آنها میکندشت،
جها قرار داشت، زیر هر کدام گودالی بعمق دو متر کنده و محلی
ای نشستن پشت ماشین ساخته بودند. کوتاهی چوب و هیزم
نثار اطاق بود. تزدیک سقف طلایی را بسته بودند و ده آن کسیهای
د، قتابک و نان خشک آویزان بود. وسط اتفاق همانند
مامهای قدیمی سوراخ بود و عنکبوتان گویا ۲۵۰۰ سال
د که تارهای خودرا در آنجا نشیده بودند. در گوشه‌ای کوتی
قرقره‌های نخ و در گذار دیگر کوچی از گلوله‌های پشمیدید
سان را بخود میکشید. کف کارگاه را انبیوه خاک و کنافت
شانده بود. حتی برستع زمین هم عنکبوتیا باسط خودرا گسترده

محمد علی میگفت: ۲۵۰ سال است که این کارگاه نظافت
مددجه

اینجا جوانگاه جانوران و حشرات بود. در آنجا آب وجود نداشت و کسی که آنجا کار میکرد فرصت اینکار را نداشت. بدیدار مردی که پشت دستگاه کار میکرد، راقیم. اینجا بود که پاچمان بیرونی خود بیناییست همه چیز را دیده باشد. میتوانست از زندگی و از کار خود برایمان حرف بزند. سلامی تردم و کنار او نشستیم. سخت شفول بود. گویا حتی درود تو نتوانسته بود اورا از لایلای افکار درهم بخود آورد. امشش را شوال ترکیدم. باصدای شنیغی، که بیشتر بهمندی بیمار بیبه بود، گفت: عبدالحسین. سورت او چون گوی سفید بود. کلاهی از پشم پسردشت و آستینها را بالا زده بود و دستان شنک و بیرونگ از چون چرخ سریع کار میکرد. رنگ او تقدیر سفید بود که انسان تصور میکرد شاید در بدن او چیزی امام خون وجود ندارد. از او سوال کردیم چندسال دارد. تکاه نزدی ما کرد و گفت: ۴۸ سال. یک لحظه فکر کردیم که فقر

1 2 3 4 5



ماشین اتوماتیک پارچه بافی باعث می‌گند

४

کارکنان بیمارستان بازار گانان خواستار تشکیل مجمع عمومی هستند

در جوانی عیر از دوی ذمین است .
محمد علی راهنمای میگفت : « خود کارگران میکویند .
اینجا از زندان اوین هم پدر است . از در کارگاه بیرون آمدیم .
او ما را به کارگاه بدم برد . از در کارگاه بیرون آمدیم .
مقابل ما دالان تاریک بعرض ۱۰ سانت وارتفاع یک متر وجود داشت .
میباشد از آنجا عبور کنیم . محمد علی چواغی در دست داشت و جلوی ما راه میرفت . دولا از تاریک خانه گذشته و خودرا به کارگاه دیگر رسانیدم . اینجا واقعاً نمیتوشد بزبان قلم بیان کرد .
اینجا علی اکبر کار میکرد . میگفت :
۱۳ سال دارم روزی ۸ ساعت کار میکنم ، ۵ تومان مزد میگیرم . ولی تابستان شاید مزد به ۱۵ تومان برسد . یا میشکسته و فردادرد و تائیشود و فقط میتوانم کار ایستاده انجام دهم . ولی اینجا چون بایستی بشت دستگاه بنششم ، برایم خیلی سخت است و برایم خیلی درد دارد . ۱۴ سال است برای این شرکت کار میکنم . همه کارگرانها مردهاند ، فقط ما دو تن زنده هستیم .
معتمد و روزی ۴ گرم تریاک میکشم . بجهه ندارم و همراه زنم در طولیهای باسخانه منزل داریم . او هم غریض است و رعایتمند دارد . از خدا فقط خلب مرک داریم . این «کازندگی نیست مادرایم ».
محمد علی ما را از راه روی تاریک رد کرد . دلمان سنتکین و کوله بار و جدایمان از غم بیم بود . به فضای بیرون رسیدم . آفتاب رنگ دیگر داشت . هوا طعم دیگر داشت و ما شیارهای خشک شده اشک را در گوشه چشمان یکدیگر میدیدیم . محمد علی میگفت :
« من هر روز این دونفر را میبینم و هر روز بدبخت آنها برایم زنگ آور است . سایقاً هم کار میکردم ، ولی حالاً بیشتر خرد و فروشن میکنم . هر وقت اینها را میبینم ، یاد را درد میباشم . برادرم با اسم «علی» یعنی شاطر دلال . که قبل از گودتای ۴۸ مرداد در سن ۴۷ سالگی میریض شد و مرد . او تودهای بود . او میگفت «نان برای همه ، کار برای همه ». او حامی همه کارگران بود . او را زاده ازادره دامهزشکی اخراج کردند . میگفتند او تودهای است و کارگران را بر علیه دولت تحریک میکند . او همه کس ما بود . او همیشه از حق تودهها دفاع میکرد . او همیشه از فرخی یزدی شعر میخواند :

این خیل خواب آلوهه مست غلتند
این سخن جمله باست گفت با بیدارها
او از غصه مریض شد و مرد .

نحو وجہ

رفا و هواداران حزب گه
امکناتی برای فعالیت انتخاباتی
بسود نامزدهای حزب در تهران
و شهرستانهای اراده، لطفاً همراه باز
از ساعت ۹ تا ۱۸ در دبیرخانه
حزب به ستاد انتخاباتی من آجده
آنستید.

برای شهیدان
حزب و حبشه

در نظر داد عکس‌های
تمام مبارزانی را که در دوران سلطنت
نیکن و منغول خاندان پهلوی در
داه آرما نهای ملی و مهیه‌اند و انسانی
خود پشتاد رسیده‌اند، جمیع آوری
کند. از همه میهن دوستان و آزادی
خواهان تقاضایشوند که هر عکسی
از این مبارزان شهید دارند، ۴
دفتر «مند»، من اجده کنند.
پاسپارس - «مند»

Digitized by srujanika@gmail.com

چشمان بی رنگش بر جهه بود زنگ ترش می غلظید و پر روی پارچه سفیدی که روی کارگاه بود، فرو می پریخت. پیغمبر عرش را داروی کارگاه گذاشت و با صدای بلند گزینه کرد، هنچون مادری که جکر گوشش را برد و باشد. ولی او یک کارگر بود که سال از بهترین دوران عمرش را در این بیخوله گذارده و از زندگی هیچ نداشت. این اشک او گویای استئتمار ۳۰ ساله ای بود که آنرا با تمام وجودش نمی بکرد. مرد بیزار لحظه ای ساخت شد. چشمان مروطش را با آستین خشک کرد و گفت:

نه، پیچه هایم به مدرسه تمیز وند. دختر ۱۴ ساله ام و وزن ۸ ساعت کار می کند، آنهم در کارگاه قالی بافی، ولی فقط ۴ تومان مزد میگیرد. با کدام پودجه آنها را بمدرسه بفرستم؟ خودم از طلوع آفتاب تا غروب در این گودال کار می کنم یا ماهی ۸۰ تومان.

چطور می شود خرج زندگی هفت نفر را تائین کرد و پیچه ها را هم

عبدالحسین دست از کار نمیکشید . او آنچنان ماسوره بارچه یافی را از این طرف به آن طرف میرد که انسان احساس نمیکرد تمام نفرت خود را از این زندگی بیان میدارد . میگفت : «اگر سواد داشته، اگر کار دیگری بلد بودم ، اگر مجبور نبودم به این فلاکت زندگی کنم ؟» او دیگتا میدانست که از ناگاهان او و امثال او سوء استفاده کرده اند و او را استثمار میکنند . او دیگتا میدانست که رژیم شاهنشاهی او را و نظائر او را به این روز میاه شناهداند و هنوز این سیمه روزی آدامه دارند . او میگفت :

«من اگر تمام وقت کار کنم ، دوزی یک الی ۱۵۰ متر پارچه میباشم . درصورتیکه با ماشین اتومات میشود حدود ۴۰ متر پارچه را بایافت . تیرمه را من روزی ۷۵ سانتیمتر میباشم ، ولی با ماشین میشود

گانی روزا فون

ضد انقلاب یا کتابفروشی دیگر را آتش زد



میغ و خته آنرا آتش زده است.

ما بادیک این عمل وحشیانه را

باشند.

دیگر را درخیابان نیروی هوایی

به آتش کشیدند.

ما جزوی از این تاریخی

را میگوییم که آنرا دنیا

فایل چهارداد اساله که اندام

اطلاع داده شد و رئیس کلانتری

ششم بهمن ماه، ساکنان ایجادی

که اکنون پس ای مقابله با

کوشش مردم خاموش شده بود، به

مردم و بدین کرد آنها به

انقلاب به این اعمال فائیستی

دست میزنند.

ما از مقامات مسئول میخواهیم

که هر چه زودتر عاملان این تجاوز

و حینه را شناسائی کنند و

تحویل دادگاههای انقلاب دهند.

مردم محل میگفتند: چون

مهجانان ناشناس با ریتاب کردن

این کتابفروشی کتابهای مترقبی

مواد آتش این کتابفروش را

دیگر را درخیابان نیروی هوایی

به آتش کشیدند.

ما جزوی از این کلانتری

تهران با مواد آتش زد.

سحر کام روز جمعه بیست و

ششم بهمن ماه، ساکنان ایجادی

که اکنون پس ای مقابله با

کوشش مردم خاموش شده بود، به

محل دقت. در کتابفروشی از خسوب

پیدا شدند و متوجه شدند که چهار

نفر را یک تاکسی در حال فرار

بازجذب کاری قرار داشت و دروان شواشه کری قرون وسطی کافر ای

وقیر به نام آوری میور داشتند. این زمان بندی از آنچه است که شناخت

و روزش از لحاظ علمی با پیش و تکامل درون زمانه ای از تکامل تاریخ

پیشی، یعنی واگر فتن و حاکمیت نظام سایه داری و آنکه که

علم اندیشه نام گرفته، همزمان است. درواقع انقلاب کیم فرانسه

علامت پایان قلمی نظام فودالی و درون شوالیه بازی آن زمان و

مرحله تازه ای از ورود توده های وسیع مردم به ساخته تاریخ و رسم

عرصه هاست. اذان زمان است که پیدا شده و روزش معنوان و قایع

تاریخی و فرهنگی از انسان سازی اش افزایده شده بشاری باز و

سوارکار و زوپین اندیز از خارج شده و میگان با تکامل وسایل مختلف

علایه بصرت جزئی از تاریخ تبدیل بشردار آمد و روز نیز

بر مقدار اتفاق آن افزوده می شود.

دزه حوال و روزش تبدیل از زمانی مورد مطالعه قرار گیرد

که روشنگران میگردند که شرط نجع پیدا شده بسیار جالب چیزی

در آغاز کنند که شرط نجع پیدا شده باشند.

در آغاز کنند که شرط نجع پیدا شده باشند.

پس از آن میگردند که شرط نجع پیدا شده باشند.

پس از آن میگردند که شرط نجع پیدا شده باشند.

پس از آن میگردند که شرط نجع پیدا شده باشند.

پس از آن میگردند که شرط نجع پیدا شده باشند.

پس از آن میگردند که شرط نجع پیدا شده باشند.

پس از آن میگردند که شرط نجع پیدا شده باشند.

پس از آن میگردند که شرط نجع پیدا شده باشند.

پس از آن میگردند که شرط نجع پیدا شده باشند.

پس از آن میگردند که شرط نجع پیدا شده باشند.

پس از آن میگردند که شرط نجع پیدا شده باشند.

پس از آن میگردند که شرط نجع پیدا شده باشند.

پس از آن میگردند که شرط نجع پیدا شده باشند.

پس از آن میگردند که شرط نجع پیدا شده باشند.

پس از آن میگردند که شرط نجع پیدا شده باشند.

پس از آن میگردند که شرط نجع پیدا شده باشند.

پس از آن میگردند که شرط نجع پیدا شده باشند.

پس از آن میگردند که شرط نجع پیدا شده باشند.

پس از آن میگردند که شرط نجع پیدا شده باشند.

پس از آن میگردند که شرط نجع پیدا شده باشند.

پس از آن میگردند که شرط نجع پیدا شده باشند.

پس از آن میگردند که شرط نجع پیدا شده باشند.

پس از آن میگردند که شرط نجع پیدا شده باشند.

پس از آن میگردند که شرط نجع پیدا شده باشند.

پس از آن میگردند که شرط نجع پیدا شده باشند.

پس از آن میگردند که شرط نجع پیدا شده باشند.

پس از آن میگردند که شرط نجع پیدا شده باشند.

پس از آن میگردند که شرط نجع پیدا شده باشند.

پس از آن میگردند که شرط نجع پیدا شده باشند.

پس از آن میگردند که شرط نجع پیدا شده باشند.

پس از آن میگردند که شرط نجع پیدا شده باشند.

پس از آن میگردند که شرط نجع پیدا شده باشند.

پس از آن میگردند که شرط نجع پیدا شده باشند.

پس از آن میگردند که شرط نجع پیدا شده باشند.

پس از آن میگردند که شرط نجع پیدا شده باشند.

پس از آن میگردند که شرط نجع پیدا شده باشند.

پس از آن میگردند که شرط نجع پیدا شده باشند.

پس از آن میگردند که شرط نجع پیدا شده باشند.

پس از آن میگردند که شرط نجع پیدا شده باشند.

پس از آن میگردند که شرط نجع پیدا شده باشند.

پس از آن میگردند که شرط نجع پیدا شده باشند.

پس از آن میگردند که شرط نجع پیدا شده باشند.

پس از آن میگردند که شرط نجع پیدا شده باشند.

پس از آن میگردند که شرط نجع پیدا شده باشند.

پس از آن میگردند که شرط نجع پیدا شده باشند.

پس از آن میگردند که شرط نجع پیدا شده باشند.

پس از آن میگردند که شرط نجع پیدا شده باشند.

پس از آن میگردند که شرط نجع پیدا شده باشند.

پس از آن میگردند که شرط نجع پیدا شده باشند.

پس از آن میگردند که شرط نجع پیدا شده باشند.

پس از آن میگردند که شرط نجع پیدا شده باشند.

پس از آن میگردند که شرط نجع پیدا شده باشند.

پس از آن میگردند که شرط نجع پیدا شده باشند.

پس از آن میگردند که شرط نجع پیدا شده باشند.

پس از آن میگردند که شرط نجع پیدا شده باشند.

پس از آن میگردند که شرط نجع پیدا شده باشند.

پس از آن میگردند که شرط نجع پیدا شده باشند.

پس از آن میگردند که شرط نجع پیدا شده باشند.

پس از آن میگردند که شرط نجع پیدا شده باشند.

پس از آن میگردند که شرط نجع پیدا شده باشند.

پس از آن میگردند که شرط نجع پیدا شده باشند.

پس از آن میگردند که شرط نجع پیدا شده باشند.

پس از آن میگردند که شرط نجع پیدا شده باشند.

پس از آن میگردند که شرط نجع پیدا شده باشند.

پس از آن میگردند که شرط نجع پیدا شده باشند.

پس از آن میگردند که شرط نجع پیدا شده باشند.

پس از آن میگردند که شرط نجع پیدا شده باشند.

پس از آن میگردند که شرط نجع پیدا شده باشند.

پس از آن میگردند که شرط نجع پیدا شده باشند.

پس از آن میگردند که شرط نجع پیدا شده باشند.

پس از آن میگردند که شرط نجع پیدا شده باشند.

پس از آن میگردند که شرط نجع پیدا شده باشند.

پس از آن میگردند که شرط نجع پیدا شده باشند.

پس از آن میگردند که شرط نجع پیدا شده باشند.

پس از آن میگردند که شرط نجع پیدا شده باشند.

پس از آن میگردند که شرط نجع پیدا شده باشند.

پس از آن میگردند که شرط نجع پیدا شده باشند.

پس از آن میگردند که شرط نجع پیدا شده باشند.

پس از آن میگردند که شرط نجع پیدا شده باشند.

پس از آن میگردند که شرط نجع پیدا شده باشند.

پس از آن میگردند که شرط نجع پیدا شده باشند.

پس از آن میگردند که شرط نجع پیدا شده باشند.

پس از آن میگردند که شرط نجع پیدا شده باشند.

پس از آن میگردند که شرط نجع پیدا شده باشند.

پس از آن میگردند که شرط نجع پیدا شده باشند.

پس از آن میگردند که شرط نجع پیدا شده باشند.

پس از آن میگردند که شرط نجع پیدا شده باشند.

پس از آن میگردند که شرط نجع پیدا شده باشند.

پس از آن میگردند که شرط نجع پیدا شده باشند.

پس از آن میگردند که شرط نجع پیدا شده باشند.

پس از آن میگردند که شرط نجع پیدا شده باشند.

پس از آن میگردند که شرط نجع

